

آسیای مرکزی مورد نظر امریکا ایجاد رابطه کند. با این حال روند تحولات و عملیات طالبان، و آن تصویری که از طالبان در اذهان ایجاد شده بود، بتدریج سبب تجدید نظر در برخی مواضع دولتها و قدرتها شد.

از یک طرف، اقدامات خشونت بار و برخورد قومی طالبان با گروهها و بازتاب بین‌المللی این مسأله و فراتر از همه اینکه خود طالبان برای تأمین نیازهای مالیات از فروش مواد مخدر بهره می‌برد. طالبان نه تنها تروریسم را ریشه کن نکرده که مسأله بن لادن نیز او را حامی چنین پدیده‌هایی قلمداد کرد. لذا دولت آمریکا ضمن اعلام اینکه طالبان توانایی ایجاد حکومتی فراگیر را ندارد سیاست بی‌طرفی نسبت به همه گروهها اتخاذ کرد و به این نتیجه رسید که باید گروه دیگری جانشین طالبان شود و در این میان به احمد شاه مسعود چشم دوخت. این تغییر روش همسوست با نگرش ما که ممکن است در ادامه موجب تفاهمهایی در این مسیر بشود. در نهایت باید گفت این به نفع جمهوری اسلامی ایران است که تغییراتی نسبی در خط مشی رابطه با دیگرانی که ذینفع و ذیمدخل در افغانستان هستند به وجود آوریم.

دکتر بهزاد شاهده*

«بحران آسیا و ارزشهای آسیایی»

در تاریخ ۷۷/۹/۱۶

تاریخچه مطرح شدن ارزشهای آسیایی باز می‌گردد به بعد از جنگ سرد با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱- این زمانی است که آمریکائیا و غرب بطور کلی احساس پیروزی قاطع می‌نمایند. مسائلی از قبیل حقوق بشر را مطرح می‌کنند، به آن جنبه بین‌المللی می‌دهند و از این طریق سعی می‌کنند کشورها را در فشار قرار دهند. در مقابل این حرکتها، ارزشهای آسیایی مطرح می‌شود. متفکران اصلی آن آقایان لی کوان یو نخست‌وزیر اسبق سنگاپور و مهاتیر محمد نخست‌وزیر مالزی هستند. چینها از آن

حمایت می‌کنند و به آن گسترش می‌بخشند. بنابراین ارزشهای آسیایی دقیقاً در مقابل سیاستی است که آمریکائیا مطرح کرده بودند.

کشورهای آسیایی معتقدند وقتی از منظر حقوق بشر، دموکراسی و آزادی به مسایل مطرح شده در دنیا نگاه کنیم، آنطور که آمریکائیا می‌خواهند، در واقع تعرضی است به حاکمیت کشورها. آنها همچنین اعتقاد دارند که حقوق بشر مرتبط است با فرهنگ ملی کشورها و سطح توسعه آنها. این وضع با بحرانی که آسیا را فرا می‌گیرد و از تایلند شروع می‌شود، گسترش پیدا می‌کند. در ماه ژوئیه ۱۹۹۷ غریبها حملات گسترده‌ای را علیه ارزشهای آسیایی شروع کردند و این ادعا را داشتند اتفاقی که روی داده نشانه باطل بودن ارزشهای آسیایی است. اگر با دقت به قضیه نگاه شود هیچ ارتباطی را نمی‌توان بین بحران مالی که در این کشورها به وجود آمده و نظامهای حاکم بر آنها بیابیم. دو کشوری که بیشتر از دیگران در این بحران گرفتار شدند، تایلند و کره جنوبی بودند که هر دوی این کشورها به اذعان خود غریبها از دموکرات‌ترین کشورهای شرق آسیا هستند. از همین جا است که می‌توان گفت این نظر باطل است که ارزشهای آسیایی اینجا دفن شد و شکست بزرگ صورت گرفته است. هیچ ارتباطی سببی بین آنها نمی‌توان یافت.

در تأکید این مطلب، ما شاهدیم که در کشورهایی که نظامهای اقتدارطلب دارند و از طرفی نیز اقتصاد بازار دارند، مشکلاتی مانند کره جنوبی و یا اندونزی وجود ندارد. مثلاً کشور سنگاپور که نظام اقتدارطلب دارد، کماکان به فعالیت‌هایشان البته با کم و کاستی ادامه داده است. بحث دیگر این است که ارزشهای آسیایی به دنبال ارزشهای سیاسی به آن صورت که در غرب مطرح شده نمی‌باشد. ارزشهای آسیایی در برگیرنده یک سری انگیزه‌ها، امیال و آرزوهایی است که در ذهن آسیاییها مطرح بوده (میل بازگشت به گذشته و ارتباط با گذشته بسیار غنی که در آسیا داشتیم و اتصاف مجدد به آن غنای تاریخی که برای مدتی حدود ۵۰۰ سال قطع شده است). جمعیت آسیا بیشترین تعداد را در جهان دارد لیکن اروپا و آمریکا در جمع ۱۰ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند و این تعداد انبوه آسیاییها می‌تواند رهبری جهان را در قرن آینده به آنها منتقل کند.

دانشگاه در قاهره ایجاد شد. تا قرن ۱۶ آسیا حرف اول را می‌زد، اما اروپاییها به دلایل مختلفی از آسیا پیشی گرفتند. آنها آنچه را از آسیا گرفتند با تکنولوژی جدید تلفیق کردند و شکل جدیدی به آن دادند. رنسانس به دنبال خود نهضت روشنفکری را به وجود آورد و در پی آن انقلاب علمی و بعد انقلاب صنعتی به وجود آمد. ژاپن‌ها اولین نیروهای بودند که متوجه ایرادات و کمبودهایشان شدند و سعی کردند خودشان را با تحولات دنیا تطبیق دهند آنها افرادی را به اروپا فرستادند تا ذهن اروپاییها را مورد مطالعه قرار دهند.

اقتصاددانان معتقدند که اگر کشوری بطوری بتواند تولید ناخالص داخلی اش را به مدت ۷ سال، سالانه ۷ درصد افزایش دهد تولید ناخالص داخلی دو برابر می‌گردد. کشورهای شرق آسیا سه دهه این وضعیت را تجربه کردند و حتی طبق برآوردها تا سال ۲۰۲۰ با این روند رشدی که جمهوری خلق چین دارد از لحاظ اقتصادی بر آمریکا غلبه پیدا خواهد کرد. علت این رشد و موفقیت چیزی نیست جز سخت کوشی و تحمل سختیها، بردباری در مقابل مشکلات که در ارزشهای آسیایی مطرح است. امر مهم اعتماد به نفس و اطمینانی است که آسیاییها پیدا کردند. اکنون اکثریت بزرگی از دانشمندان که در اروپا و آمریکا خدمت می‌کنند آسیایی هستند.

نکته دیگر آن است که علیرغم پیشرفتهای بیشتر غرب بنیادهای اخلاقی در کشورهای غربی با بحران روبه رو است و در مقابل در تمام دنیا صحبت از فرهنگ غنی چینها، ایرانها، کره‌ایها... است، این امتیازی است برای ارزشهای آسیایی. از سوی دیگر، شرق آسیا سعی کرد بر اقتصاد تکیه کند. به عبارتی رشد اقتصادی، خود می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد یک وجدان و آگاهی سیاسی شود. این کشورها اگر بتوانند این موفقیت‌های اقتصادی خود را موفقیت‌های سیاسی عجین کنند، اینجاست که می‌توان گفت ارزشهای آسیایی موفق شده و این پیروزی خیلی بزرگی است.

اما چرا بحران در آسیا به وجود آمد؟ یکی از دلایل آن، پیوند غلطی بود که پولهای این کشورها با دلار آمریکا در سال ۱۹۸۵ پیدا کردند. آمریکاییها تصمیم گرفته بودند که

مفید بود، اما تا زمانی که امریکاییها شروع به افزایش ارزش دلار کردند ادامه داشت و بعد از آن سیر معکوس پیمود.

یک مسأله دیگر این بود که کشورهای جنوب شرق آسیا و امپاهی راکه از سازمانهای مختلف دریافت می داشتند در پروژه های خاص سرمایه گذاری نکردند بلکه در کارهای غیراقتصادی و پروژه های پرستیژی صرف شد.

مسأله دیگر نیز مورد فساد، اختلاس، نخبه گرایی و خویشاوندپرستی بود.

صفت الله طاهری شمیرانی*

«حق شرط به معاهدات»

در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۳

بحث در خصوص حق شرط یا تحفظ در حقوق معاهدات به لحاظ طرح و بررسی مجدد موضوع در کمیسیون حقوق بین الملل و مباحثاتی که در این خصوص در چند سال گذشته در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل صورت گرفته و همچنین به دلیل بحث انگیز بودن مسأله حق شرط به معاهدات قانون ساز (نورماتیو) به ویژه تحفظ کشورهای اسلامی به برخی از معاهدات حقوق بشری و اعتراضات بعضی کشورهای غربی به این تحفظات و در نتیجه اهمیت روز افزون این موضوع در محافل آکادمیک، صورت گرفت. در مقدمه این سخنرانی، «حق شرط»، چگونگی شکل گیری این مفهوم، فلسفه حق شرط، اهلیت دولتها برای اعلام تحفظ، تبیین و سپس موضوع در دو قسمت به شرح ذیل مورد بحث و ملاحظه قرار گرفت:

۱- رژیم حقوقی حق شرط از جمله مفهوم کلاسیک آن، تحولات حاصله در این مفهوم، رژیم حقوقی حاکم بر حق شرط بر اساس معاهدات وین، شروط تحفظ و آثار و تبعات حقوقی حق شرط و مخالفت با آن.

۲- بررسی حق شرط در کمیسیون حقوق بین الملل در دو دوره ۸۶-۱۹۵۰ و از سال